

مصرع را سرمشق خود قرار ندهند:

خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو

طهران — آرزومند سعادت زنان بدرالملوك صبا

مسئله ازدواج با ایرانی یا فرنگی

آقای ح. ک. ایران‌شهر!

مسئله‌ایکه در تحت عنوان فوق در شماره ۸ مجله شریفه مطرح قرار داده و از عموم افراد ایرانی طلب جواب فرموده و به هر کس که علاقت با سعادت فرزندان آئیه ایران دارد فرض نموده‌اید که اگر جواب عملی یا علمی (قسمت اول از متأهلین و دوم از مجردین) آنرا میدانند برای سعادت آئیه ایران بنویسد؛ بنده که علاقه تامی به ایران دارم و از قسمت ثانی (مجردین) بوده و زمانست با این فکر در کشمکش و مبارزه میباشم پس از کنجکاوی بسیار از حال اشخاص متأهل (خواه با دختران ایرانی و خواه با دختران فرنگی) و تفتیش از زندگانی آنان و منازعات و مباحثات زیاد حتی با خانمهای اروپائی که شرکت در زندگانی جوانان تحصیل کرده ایرانی دارند، بالاخره به دو مسئله مهم بر خورده و به دو حقیقت متباین پی برده‌ام که اسم آندو را مثبت و منفی نهاده و خود هم در جرگه طرفداران مثبت قرار گرفته‌ام و آندو مسئله یکی علاقه به ایران و دیگری تمایل به فرنگ است، و بعقیده من کسبکه با تمام معانی تمایل، بفرنگ دارد در سهو بوده

و راه خطا می‌بیناید، اینستکه او را منفی (۱) می‌گوییم.
چنانکه معلومست حل و تصفیة مسائل و قضایا بطور کلی با
نظر سطحی خالی از اشکال نیست و البته نتیجه مطلوبی حاصل
نمیشود و بی شک برای نیل بمقصود ابتدا لازمست مطلب را کوچک
نموده بشکل اقرادی قضیه را مطرح و نظریات شخصی را در آن
دخالت داده مغز مطلب را شکافته با يك نظر عمیق عمق آنرا
نگریست، پس از حلاجی نمودن و پی بردن بحقیقت مسئله و پیدا
شدن توافق نظر بین افراد ممکنست آراء و عقایدرا جمع نموده
و حاصل جمع را جلو کشیده با کمال بیطرفی در آن قضاوت نمود.
پس اجازه می‌خواهم داخل مطلب شده مسائل ذیلرا سؤال
نمایم:

(۱) جوان تحصیل کرده آیا به عصیت ملیت و قومیت معتقد
و مقید است، یا بالعکس؟

(۲) جوان آیا علاقمند به ایران بوده و زندگانی خودرا
در ایران به پایان میرساند یا بالعکس؟

(۳) آیا آئیه ایران را روشن دیده و قصد خدمت به ایران
دارد یا خیر؟

(۴) آیا پرورش و اولین درجه تربیت را در دامان مادر
میندازد یا خیر؟

(۵) آیا به اختلاف خون و نژاد معتقد است یا خیر؟

پس از اینکه مطلب معلوم شد در طریقه منفی قدم نگذاشته
و در آن بحث نمی‌کنیم زیرا که محتاج به توضیح نیست، شخصیکه

(۱) اشخاصیکه با دختران ایرانی مزاجت نموده و آئیه روشنی داشته اند و یا با
دختران فرنگی مزاجت نموده و توانسته اند با اختلاط دو خون متباین خودرا حفظ و
برای مملکت خود خدمتی بنمایند جزء نادر و داخل این بحث نیستند.

طریقه منفی را می‌بیماید بدون اشکال با کمال آزادی می‌تواند در هر سرزمینی که بندش افتاد ازدواج نموده و زندگانی خود را خوب یا بد بگذراند؛ پس البته تمام این اشکالات و هزارها اشکال دیگر سد راه يك جوانیستکه طریقه مثبت را برود، چه بسایچ و خمها که (پس از موشکافی کامل که من از صفر به درجه يك رسیده‌ام و البته استادان نکته سنج و اشخاص با تجربه عمق مطلب را دیده و در این قسمت راه دور تری می‌بیمایند) در یمودن این راه دچار آنان میشود، چه اگر کسی تعصب ملیت را معتقد و علاقمند به ایران و زندگانی در آن بوده، آئینه ایران را روشن دیده پرورش و اولین درجه تربیت را در دامان مادر پنداشته و اختلاف خون و نژاد را معتقد باشد به این آسانی پا از دایره بیرون نگذاشته و ابداً پیرامون خیال ازدواج با فرنگی نمیگردد. در خانمه این مقدمات مطلب مهمی که باید گفت گفته و جواب سؤالات ششگانه سرکار را که با کمال بی طرفی قضاوت میشود یکیک نوشته تقدیم میدارم و آن اینستکه اگر ریشه درخت حیا کنونی ما از آب شیرینی سیراب شده و پایه زندگانی ما روی شالوده محکمی مانند امریکائیان و اروپائیان گذاشته شده بود من قطعاً تزریق خون اروپائرا به خون خودمان (ولو به هر وسیله باشد) لازم و واجب می‌شدم لیکن چیزیکه هست برای من روشن است که با وصلت و اختلاط خون اروپائی خیلی زود میشود که ما افتخار آریائی خود را از دست داده و دیگر حق نخواهیم داشت بخرابه های کسری، بیستون و غیرها سوگند یاد نموده و صحبتی از استخر و کتابخانه بزرگ آن بمیان آورده و بزرگی بدنای امروزه بفروشیم.

سؤال (۱) — از چه نقطه نظر دختران ایرانی را برای ازدواج ترجیح به دختران فرنگی می‌دهید؟

جواب — از نقطه نظر اینکه ملیت ما محفوظ مانده و بگانه گوی افتخار ما (که عاطفه قلبی، مهربانی حقیقی، ذکاوت فطری، نجات طبیعی و عصمت باطنی است) با چوگان نادانی یا سهو بمیدان فنا و نیستی پرتاب نشود، زیرا که گمان می‌کنم تصدیق فرمائید فقط چیزیکه به حیات ملی ما ادامه داده و اسم ایران را محفوظ نموده؛ همانا داشتن این يك خاصیت بوده و پس حالا خواه از روی علم یا جهل یا اتفاق طبیعی باشد.

سؤال (۲) — ازدواج با دختران فرنگی چه فواید و محسنات دارد؟

جواب — ازدواج با دختران فرنگی آن اندازه که فواید و محسنات دارد بیشتر از آن خسارت و مضرات دارد به اینمعنی که فواید زیاد از قبیل اداره شدن زندگانی، شرکت در احوال حیاتی، پیدا نمودن راه زندگانی، تربیت اولاد و بسیار فواید دیگر که باعث طول مقالست، لیکن تمام این فواید بشرط زندگانی در اروپا و پیروی از عقیده منفی است. و اما مضرات آن از قبیل تباین اخلاق طبیعی، نداشتن محبت و دل‌بستگی زن به ایران، خاموش شدن تجلیات ایرانی، خفه شدن روح ایرانیت، و خیلی خسارات و مضرات مادی و معنوی دیگر.

سؤال (۳) — در نظر شما زن دارای چه صفات و شرایط باید باشد تا قابل ازدواج شود؟

جواب — در نظر من زن باید دارای صفات حسن اخلاق، ایراندوستی، خانه داری، شوهر دوستی، عصمت باطنی، بی‌بردن

به حقوق، واقف به اوضاع زندگانی، فکر آزاد، و امثال اینها باشد تا قابل ازدواج شود.

سؤال (۴) — موانع و نواقصی که در تزویج دختران ایرانی هست کدامند و از چه راه آنها را رفع و اصلاح میتوان نمود؟

جواب — قلم اینجا رسید و سر بشکست!!! با اینکه از چماق تکفیر نمیترسم نزدیکست بگویم از جواب عاجزم زیرا که بقدری موانع و نواقص در این راه هست که از حساب بیرون است و نامدنی عبور از آن غیر ممکن و بزرگترین موانع این راه که در مقابل موانع دیگر در حکم کوه و کاهند دواند یکی آخوند جاهل دیگری حجاب جهل که اگر این دو مانع — رفع شود بزودی هر چه تمامتر بسر منزل سعادت میرسیم بلکه میخواهم بگویم رفع مانع دوم در ضمیر ارتفاع مانع اولی است و رفع این دو مانع و ابسته به اینستکه یا از میان جمع روحانیون ایران هم یک نفر حقیقت جو و راست گو مانند لوتر در آلمان پیدا شده خرافات را دور ریخته و خلاصه اسلام را اعلام کند و یا از طرف قائد ایران انجمنی از بزرگان و رؤسای مذهبی تشکیل داده حقیقت اسلام را بوسیله ایشان کشف و حجاب حقیقی عصمت را نشان داده و پرده سیاه جهل و بدبختی را از رخ آنان بر گیرد که بقول شاعر معروف انقلابی ایرانی آقای عشقی، زنان بکشور ما زنده‌اند و در گفتند همین اصول سیه بختی از سیه رختی است —.

باری اینها برای آتیه ایرانست و البته دیر یا زود انجام خواهد یافت لیکن عجالتاً راهی که در دست است و ممکن است بوسیله آن شاهد مقصود را در آغوش کشید؛ و آتیه ایران را سعادتمند نمود، (صرف نظر از زنان و دختران عالمه امروزه ایران) بنظر

من فقط دو راهست، یکی اینکه اشخاص با فکریکه پسران خود را برای تحصیل و پیمودن راه ترقی به اروپا میفرستند اندکی اهمت نموده قدمی فرا تر نهاده دختران خود را هم به‌مراهی برادرانشان برای آموختن راه زندگانی به اروپا بفرستند تا به‌مدوشی آنان اینان هم تربیت یافته با فکر صیقل شده به ایران برگشته به سعادت ایران کمک نمایند، دیگری اینکه همین جوانان زمان ازدواج دختران دهاتی را که در حکم آب زلالند (که هر رنگی در آن ریزند با همان رنگ جلوه‌گر میشود) تزویج نموده بطور دلخواه تربیت نمایند و یک نسل تازه بی‌آلایش ایرانی تشکیل دهند.

سؤال (۵) — آیا زنان فرنگی بهتر در ایران زیست می‌توانند کنند یا زنان ایرانی در فرنگ؟ در این باب چه مثالها و نمونه‌ها دیده و یا شنیده‌اید؟

جواب — بعقیده من زنان ایرانی در فرنگ بهتر زیست میکنند مخصوصاً اگر از کوچکی رفته باشند یا اینکه دختران عالمه باشند و خود معلومست که طبیعت هر ذیروحی مایل به ترقیست و البته زنان ایران وقتیکه از محیط خراب و فاسد امروزی خود خارج شده بفرنگ روند مثل اینستکه از جهنم به بهشت رفته یا اینکه از تنگنای زندانی کثیف به هوای لطیف و آزاد باغی ظریف شتافته باشند و طبیعی است قدر این نوع زندگانی را زیادتر میتوان دانست تا اینکه انسانی عالم و عاقل ترك زندگانی آزادپرا نموده خود را به زندان بلا اندازد و البته اگر یکنفر دو نفر یا ده نفر عکس عمل نمایند در حکم عموم نیست.

سؤال (۶) — آیا برای جوانان تحصیل کرده و تربیت شده بقدر کافی دختران تحصیل کرده و تربیت شده در ایران هست؟

جواب — اگر بصر ف تمایل اروپا باشد و نگویند که چون در ایران تربیت شده اند لهذا وحشی اند و ... عالم تمدن بیخبر! من میگویم بقدر کافی بلکه بیشتر دختران با علم تحصیل کرده که شاید از بعضی جهات از جوانان عقب نبوده بلکه جلوترند وجود دارد که برای نداشتن شوهر عالم با تربیت دچار بدبختی میشوند و این گناه جوانان تربیت شده و عالم ما وارد است، میدانید اگر فرض این را بنمائیم که دختران نسبت به پسران کم تربیت نرند باز هم چون نور علم چشمشان را روشن نموده و دارای قریحه‌تند و تیزند خیلی زود میتوانند کاملاً اسباب آسایش و رضایت شوهر را فراهم سازند چنانچه در رشت که بنده میدانم بسیاری از جوانهای تربیت شده و تحصیل کرده که از اروپا برگشته اند با زنان تربیت شده در ایران زندگانی خوش اروپائی دارند. اینست عقیده من اگر راه خطا رفته باشم هشیارم نمائید.

رشت -- عباس زرکش

کانون بدبختی‌ها

فقیه شهر برفع حجاب مایل نیست
چرا که هرچه کند حیه در حجاب کند
چونست ظاهر قران بوفق خواهش او
دود باطن و تفسیر نا صواب کند

آقای مدیر محترم!

امروزه یکی از موضوعهای گفتنی بحث در جهان زنان است که نصف جامعه هر ملت را تشکیل داده به این جهت اجازه دهید